وابستگی در صنعت نفت و رهائی از آن

قسمت دوم

از: دکتر ابراهیم رزاقی

.....منابع نفتی ایران سرمایه محدودی است که باید برای توسعه اقتصادی اجتماعی کشور به کار گرفته شود اگر در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه صنعتی و کشاورزی خود بهر دلیلی - چه در ارزیابی امکانات و مشکلات و چه در پیش‌بینی تنگناها و مشکلات عملی و اجرائی - دچار شکست شویم. باتوجه به اینکه هنوز به مرحله چشمگیر صادرات دیگر کالاها با نفت نرسیده‌ایم کل امکانات توسعه را برای خود و نسل‌های آینده از دست خواهیم داد.

***

در بخش نخست این مقاله که در شماره گذشته منتشر شد نویسنده ضمن ترسیم وضعیت کلی صنعت نفت به عنوان ستون فقرات اقتصاد ایران، وجود وابسته بودن این صنعت به اقتصاد جهانی از جمله ایجاد و گسترش آن برحسب نیازهای خارجی، ناموزونی اکتشافات نفتی، صادراتی بودن صنعت نفت، ائتلاف کارهای همراه نفت و عدم تطابق وسایل مصرف با مقدار مصرف را تشریح نمود. در این قسمت که بخش پایانی مقاله نیز می‌باشد آقای دکتر ابراهیم رزاقی - مؤلف مقاله - ضمن بیان برخی دیگر از وجوه وابسته در صنعت نفت از قبیل عدم امکان تعیین قیمت و جلوگیری از نوسان درآمد، ضعف صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی، غیرتولیدی بودن الگوی مصرف فرآورده‌های نفتی، عدم وجود صنایع سنگین متناسب با نیازهای صنایع نفت و پتروشیمی، به ارائه راه حل‌هایی برای رهائی از وابستگی در این صنعت پرداخته است.

۳- عدم امکان تعیین قیمت و جلوگیری از نوسان درآمد

با توجه به اینکه صنعت نفت ایران تنها برای صادرات ایجاد و گسترش یافته است، در مراحل بعدی توسعه خود حتی در شرایط پس از انقلاب علیرغم افزایش نسبی مصرف داخلی و کاهش صادرات، عمده‌ترین کارکردان تامین ارز می‌باشد. تعیین قیمت نفت صادراتی عاملی اساسی در کارکرد این صنعت محسوب می‌شود. نفت خام مانند سایر مواد خامی که مورد نیاز کشورهای صنعتی است، در بازاری به فروش می‌رسد که بازار خریدار است. خریداران یا مشتری‌ها که بر کشورهای صنعتمند قبلی و نو صنعتمند وابسته فعلی دارند و با استفاده از اجبارهای اقتصاد وابسته در کشورهای در حال توسعه، ترتیب کار را طوری می‌دهند که مواد مورد نیاز آنان همیشه بیش از تقاضا تولید و عرضه شود. این امر موجب سقوط قیمت مواد صادراتی کشورهای در حال توسعه می‌شود که نه تنها به کاهش اسمی و رسمی قیمت می‌انجامد بلکه در رابطه با ارز پایه محاسبه و وسیله پرداخت مواد فروخته شده نیز کاهش در قدرت خرید ارز بدست آمده را هم در پی دارد. بعنوان مثال قیمت هر اونس طلا از سی و چند دلار در اواخر جنگ جهانی به حدود ۴۰۰ دلار رسید).

صنعت نفت در کشورهای جهان سوم و در کشورها که برای صادرات پی ریزی شده، صنعتی بیرونی است. در دورانی طولانی بعنی از ابتدای پیدایش خود تا سال ۱۹۷۴ محصولات صادراتی بدون دخالت کشورهای صادر کننده توسط شرکتهای خارجی قیمت گذاری می‌شد. در طی این دوره، که به دو مرحله رقابتی (تا سال ۱۳۰۸ که کارتل بین المللی نفت تشکیل شد) و مرحله انحصاری (که پس از آن سال آغاز شد) تقسیم می‌شود. مرتبط از تغییرات ارزش لیره استرلینگ و دلار در ابتدا درآمد هر بشکه نفت برای ایران (حدود ۱۵۹ لیتر) ۱۷ سنت و سپس ۲۳ سنت بود.

پس از تشکیل اوپک درآمد هر بشکه نفت ایران افزایش یافت ولی میزان آن تا قبل از آغاز تغییر اساسی در شرایط بازار در اوایل دهه ۱۳۵۰، هیچگاه از ۱/۲۵ دلار برای هر بشکه تجاوز نکرد (جدول شماره ۷). از اوایل دهه ۱۳۵۰ و بطور مشخص از اواخر سال ۱۳۵۲ درآمد ایران از هر بشکه نفت به ۹/۳۲ دلار رسید و در گام جهشی بعدی بعنی در اواخر سال ۱۳۵۸ به ۲۷/۸ دلار و بعد به حداکثر خود بعنی ۳۶ دلار در اواخر سال ۱۳۵۹ رسید. پس از این سال درآمد از هر بشکه نفت صادراتی تنزل کرد و در اواخر سال ۱۳۶۲ به ۲۸ و در اواخر سال ۱۳۶۴ و اوایل سال ۱۳۶۵ به کمتر از ده دلار رسید.

با تصمیمات اخیر اوپک مبنی بر کاهش مقدار تولید، قیمت هر بشکه نفت خام که از چند ماه پیش رو به بهبود نهاده است اینک به حدود هجده دلار رسیده است (۲۹)

در طی یک دورهٔ طولانی که تا اوایل دهه ۱۳۵۰ طول کشید و به برکت تشکل صادر کنندگان در اوپک قیمت نفت برخلاف قیمت سایر مواد خام، مسیر دیگری را طی کرد قیمت نفت تنها از سوی واسطه‌های نفتی و مصرف کنندگان تعیین می‌شد. از اواخر دهه ۱۳۵۰ مصرف کنندگان عمده نفت نیز با تشکل در اتاق بین المللی انرژی با استفاده از تدابیر مصرف جوئی در مصرف انرژی و جایگزینی نفت با سایر انرژی‌ها (گاز، اتم)، افزایش اکتشاف و استخراج در کشورهای غیر اوپک، ایجاد ذخایر استراتژیک نفت از بیرون و استفاده از اضافه تولید عربستان از درون اوپک، کوششی را در بدست گرفتن مجدد تعیین قیمت نفت براساس افزایش میزان عرضه جهانی آغاز کردند.

چنین خصوصیتی در تعیین قیمت نفت که بی شباهت با تعیین قیمت سایر مواد خام مصرفی کشورهای صنعتی نیست، این نظر را تائید می‌کند که اقتصاد داخلی به ویژه در شرایط وابستگی اقتصادی در اثر عدم توانائی در تعیین قیمت و نوسانات آن دچار عدم تعادل اقتصادی خواهد شد.

اگر تغییرات قیمت نفت راهمراه با تغییر ارزش دلار که اختیار آن بدست امریکا و سایر دول صنعتی است مورد توجه قرار گیرد، عدم توانائی اقتصاد داخلی در تاثیر گذاری بر میزان ارز دریافتی و قدرت خرید آن با وضوح بیشتری خود را نشان می‌دهد. حال اگر این درآمد نفتی حاشیه‌ای در

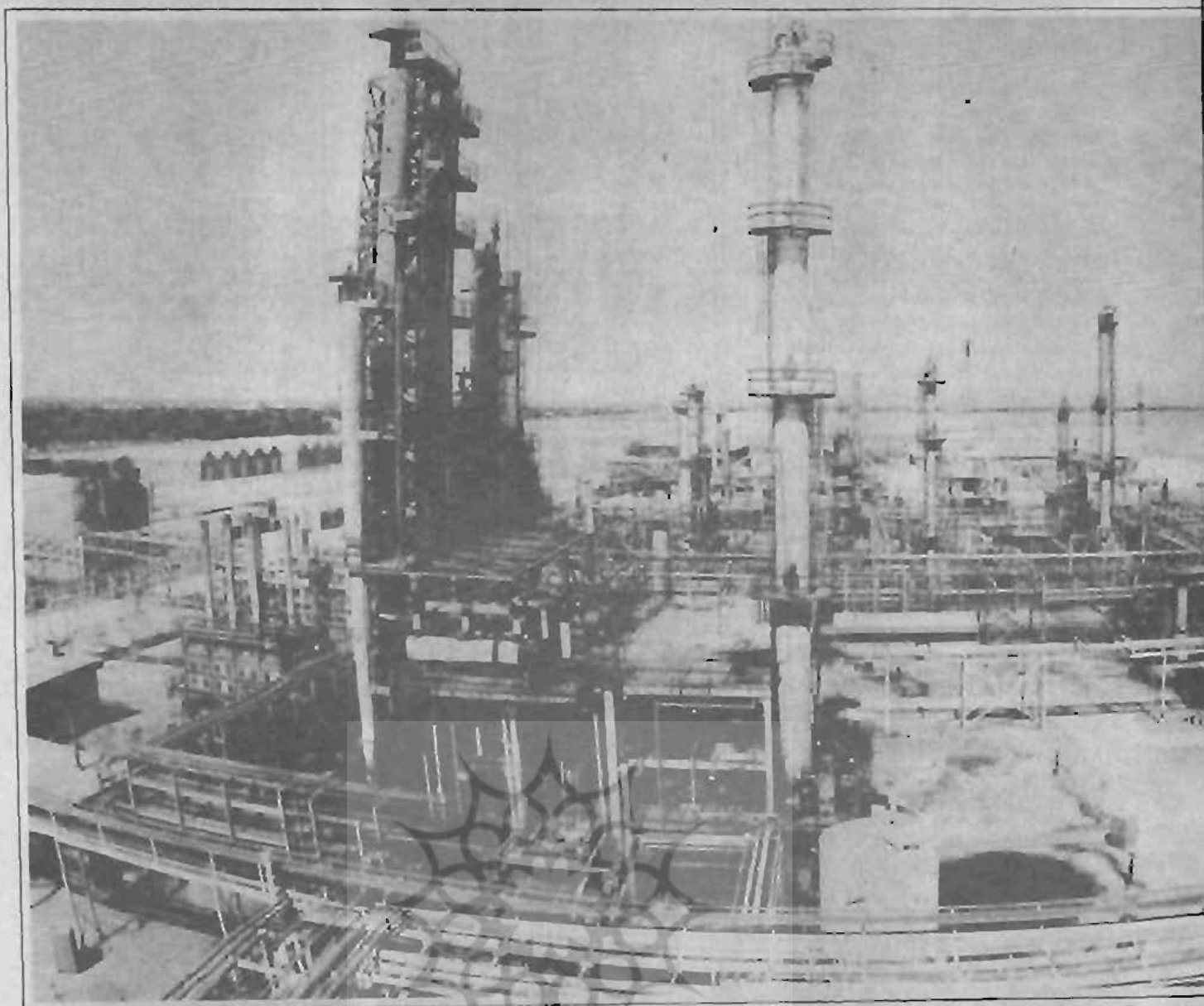

اقتصاد ما داشت و یا صنعت نفت ایران درونی بود این نوسانات و آثار سوء آن کمتر بر اقتصاد تاثیر می‌گذاشت ولی در شرایط بیرونی بودن اقتصاد و اینکه درآمدهای نفتی ستون فقرات اقتصاد محسوب می‌شود، گاهش این درآمدها و نوسانات آنها آثار و برانگیزی بر اقتصاد برجای می‌گذارد که کاهش شدید تولید صنعتی، افزایش بیکاری، کمبود مواد غذائی ودیگر کالاهای مصرفی و کاهش وبالتوقف سرمایه گذاری‌های توسعه از آن جمله است.

با افزایش وابستگی در اقتصاد ایران وافزایش نیازهای ارزی و با توجه به عدم امکان افزایش قیمت و جلوگیری از کاهش قدرت خرید ارزهای دریافتی تنها واکنش ممکن افزایش مقدار نفت خام صادراتی بود که همانطور که قبلاً اشاره شد درگذشته به شدت از این روش استفاده شده است.

پس از انقلاب نیز با توجه به عدم تغییرات ساختاری دراقتصاد وابسته و تقریبا تداوم همان الگوی مصرف، درشرایط اجرای سیاست حفظ منافع نفتی، دراثر کاهش رسمی قیمت نفت و کاهش اخیر ارزش دلار که نسبت به ارزهای دیگر کشورهای صنعتی حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است فعالیت اقتصادی قابل توجهی براقتصاد تحمیل می‌شود. البته خوشبختانه دولت با اتخاذ سیاست نوین اقتصادی از اوایل سال ۱۳۶۵ سعی درتقلیل آثار مخرب مذکور کرده که با افزایش قیمت نفت از هر بشکه زیر ده دلار به بالاتر از هجده دلار افزایش‌های این قیمت نفت از شدت آثار تخریبی کاهش قیمت و کاهش قدرت خرید درآمدهای ارزی ایران کاسته شده است.

که نظر می‌رسد تا اقتصاد ما صنعتی نشود وابسته به نفت خام است و تا پایه محاسبه قیمت نفت به دلار است، در شرایط تسلط امپریالیسم بر بازار نفت جهان چه بطور مستقیم و چه بطور غیر مستقیم (اقتصادی و از طریق مستقیم سیاسی)، اقتصاد ایران با چنین آثار مخربی بارهم روبرو خواهد شد.

راه حل که گونه‌ای که بعدا در تصویری کلی ارائه خواهد شد، ایجاد تغییرات ساختاری در صنعت نفت اقتصاد ایران و الگوی مصرف می‌باشد و که تنها در وحدت با سایر اقتصادی اوپک و از این طریق تاثیرگذاری روی عرضه نفت خام و بهبود قیمت نفت با توجه به مقدار تورم در کشورهای صنعتی و تورم وارداتی برای کشورهای عضو اوپک، میزان کاهش ارزش دلار و بالاخره قیمت تمام شده سایر منابع انرژی‌زا تلاشی هرچند شایسته و درخور توجه است و حتی تا زمانی که اقتصاد ما چنین است جز این راه دیگری هم نیست ولی اینگونه اقدامات تنها موفقیتهائی گذرا درکاهش آثار مخرب نوسانات محسوب می‌شود ونسبت به پذیری اقتصاد ما همچنان پابرجاست می‌باید با درونی کردن صنعت نفت ضربه پذیری مزبوررا به حداقل رساندودرچنین شرایطی، قدرت تقابل با امپریالیسم درعمه ها و از جمله در درون سازمان اوپک به مراتب فزون‌تر از حال خواهد شد.

۴ - ضعف صنایع پالایشگاهی و غیر تولیدی بودن الگوی مصرف فرآورده‌های نفتی.

در بخش دیگری از مقالهٔ ضعف صنایع پالایشگاهی در رابطه با نوع و مقدار محصول صادراتی به ویژه در دوره پس از ملی کردن اشاره شد. در همانجا نیز بیان شد که با تغییر سیاست شرکتهای چند ملیتی نفتی (اعضای کنسرسیوم نفت ایران) به تدریج بین ظرفیت پالایشگاه آبادان و مقدار صادرات (تحت تاثیر کاهش ظرفیت پالایشگاه آبادان به عنوان تنها پالایشگاه صادراتی ایران و افزایش صادرات) فاصله ایجاد می‌شود و پالایشگاه مزبور درسال ۱۳۵۸ پس از ۲۸ سال (از ۱۳۲۹) ظرفیت پالایش قبلی خود را باز می‌یابد. چنین تصویری ضعف صنایع پالایشگاهی ایران را در رابطه با صادرات بخوبی نشان می‌دهد ولی عدم رشد متناسب صنایع پالایشگاهی ایران حتی در رابطه با مصرف داخلی نیز مشاهده می‌شود.

علیرغم اینکه همراه با افزایش مصرف داخلی علاوه بر استفاده بیشتر از فرآورده‌های تولیدی پالایشگاه آبادان، ظرفیت آن پالایشگاه نیز به تدریج در سالهای مختلف افزایش یافته و پالایشگاههای تهران، شیراز، تبریز و

جدول شماره ۷ - [illegible]

شماره ردیف	مسائل	عدم تعادل	[illegible]
۱	[illegible]	[illegible]	۱۷/۰
۲	[illegible]	[illegible]	۳۳/۰
۳	[illegible]	[illegible]	۷۷/۰
۴	[illegible]	[illegible]	۸۰/۰
۵	[illegible]	[illegible]	۸۰/۰
۶	[illegible]	[illegible]	۹۵/۰
۷	[illegible]	[illegible]	۱۰/۵
۸	[illegible]	[illegible]	۱۰/۰
۹	[illegible]	[illegible]	۱/۱۲
۱۰	[illegible]	[illegible]	۷/۰۰
۱۱	[illegible]	[illegible]	۹/۳۰
۱۲	[illegible]	[illegible]	۹/۵۰
۱۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۴	[illegible]	[illegible]	۹/۸۲
۱۵	[illegible]	[illegible]	۱۰/۰۰
	[illegible]	[illegible]	۱۰/۱۲
۱۶	[illegible]	[illegible]	۱۱/۱۰
۱۷	[illegible]	[illegible]	۱۱/۴۰
۱۸	[illegible]	[illegible]	۱۲/۹۹
۱۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۰	[illegible]	[illegible]	۱۹/۱۰
۲۱	[illegible]	[illegible]	۲۳/۳۳
۲۲	[illegible]	[illegible]	۳۰/۳۷
۲۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۵	[illegible]	[illegible]	۲۲/۰۰
۲۶	[illegible]	[illegible]	۲۲/۰۰
۲۷	[illegible]	[illegible]	۲۲
۲۸	[illegible]	[illegible]	۲۸

[illegible]

اصفهان نیز ایجاد و به بهره برداری می رسند (جدول شماره ۸)، ولی بدلیل تفاوت در الگوی بازدهی پالایشگاهها و الگوی مصرف فرآورده‌های نفتی، عدم تعادل بین تولید و مصرف مزبور بوجود آمد و به دنبال آن واردات صورت گرفته است. عدم تعادل مزبور فرسالهای پس از انقلاب، علیرغم افزایش شدید ظرفیت پالایشگاههای تهران و اصفهان و کوشش در تغییر الگوی مصرف (سهمیه بندی مصرف فرآورده‌های نفتی و جایگزین کردن مصرف گاز با برخی از فرآورده‌های میان تقطیر)، به دلیل تخریب پالایشگاه آبادان و پاختران تشدید شده است، و این درحالی است که الگوی بازدهی پالایش در ایران در پالایشگاههای تهران و پاختران (با توجه به تشابه فنی پالایشگاه اصفهان با پالایشگاه تهران این مسأله قابل تعمیم به کل پالایشگاههای ایران می‌باشد البته با فرضی تداوم این الگو) از سال ۱۳۳۷ تاکنون به ترتیب: بنزین موتور ۱۸ درصد فرآورده‌های میان تقطیر ۳۵ درصد نفت کوره ۲۲ درصد و فرآورده‌های دیگر ۳ درصد می‌باشد (۳۰) الگوی مصرف فرآورده‌ها در همین سال به ترتیب برای فرآورده‌های ذکر شده در الگوی بازدهی پالایشگاهها: ۱۱ درصد، ۵۲ درصد، ۳۰ درصد و ۷ درصد بوده است. (جدول شماره ۹) تا سال ۱۳۵۷ با کاهش سهم مصرف نفت کوره، عدم تطابق مزبور تشدید شده و در سالهای پس از انقلاب علیرغم مسدود این رابطه، با کاهش سهم بنزین موتور مصرفی و افزایش سهم نفت کوره بطور کلی عدم هماهنگی بین تولید و مصرف کماکان بجا مانده است. (جدول شماره ۹) با توجه به درصد مصرف سایر فرآورده‌ها و بالا بودن آن [illegible] بازدهی [illegible] پالایشگاهها، همچنین بالا بودن درصد فرآورده‌های میان تقطیر نسبت به بازدهی تولید و پائین بودن درصد مصرف نفت کوره نسبت به بازدهی آن، علاوه بر پائین بودن مقدار تولید فرآورده‌ها نسبت به مصرف تولید، عدم تطابق بین الگوی مصرف و الگوی تولید نیز توسل به واردات را پس از انقلاب ضروری ساخته است. (۳۰)

با توجه به ماهیت تاثیر مصرف فرآورده‌های نفتی و اینکه بنزین موتور عمدتا برای وسایل نقلیه سواری شخصی مصرف می‌شود و بخش قابل توجهی از فرآورده‌های میان تقطیر نیز مصرفی غیر تولیدی دارند، (نفت سفید، مصرف خانگی داشته و بخش قابل توجهی از نفت گاز مصرفی برای امور غیر تولیدی و عمدتا حمل و نقل شهری و بین شهری استفاده می‌شود)، می‌توان چنین استنتاج کرد که مصرف فرآورده‌های نفتی در ایران بطور عمده جنبه غیر تولیدی دارد (جدول شماره ۸) درحالیکه در برخی از کشورهای صنعتی مصرف کننده‌ی نفت، بخش قابل توجهی از مصرف فرآورده‌ها به صورت نفت کوره (مصرف صنعتی) مستقیما مصرف تولیدی داشته و سایر مصارف نیز به دلیل ساخت صنعتی این کشورها که خود تولید کننده‌ی کلیه وسایل مصرف کننده فرآورده‌ها می‌باشند، غیر مستقیم تولیدی است. در کشورما با توجه به سهم اندک مصارفی که مستقیما تولیدی هستند و تقریبا وارداتی بودن مستقیم و غیرمستقیم کلیه وسایل مصرف کننده فرآورده‌های نفتی، الگوی مصرف فرآورده‌های نفتی علاوه برغیرتولیدی بودن، در تشدید وابستگی به خارج نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

علیرغم وجود منابع عظیم گاز و سوزاندن بخش قابل توجهی از گاز استخراج شده به همراه نفت، تاکید برمصرف نفت سفید برای تولید گرما و مصرف نفت گاز بعنوان سوخت حمل ونقل با استفاده از اتومبیل سواری شخصی، اتوبوس و کامیون، آنچنان شرایطی بوجود آورده است که علاوه بر آلودگی وخیم محیط زیست شهری و مصرف سالیانه دهها میلیون تن فرآورده‌های نفتی و پرداخت چند صدمیلیون دلار به خارج برای واردات برخی از فرآورده‌هائی که دچار کمبود آن هستیم، وجهی از وابستگی به خارج تعلق یافته است که نتیجه آن واردات کلانی از وسایل حمل و نقل و قطعات آن می‌باشد. اتخاذ سیاست انرژی ارزان در کشور بدلیل عدم ایجاد ساختار صنعتی والگوی مصرفی‌ای متناسب با آن موجب انتقال آثار توسعه بخش مربوط به این سیاست به خارج شده و صنایع سنگین و اتومبیل سازی کشورهای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

✱ در دوره ملی کردن صنعت نفت که اقتصاد ایران هنوز مرحله ابتدائی یکپارچه شدن با اقتصاد جهانی را می گذرانید، صرفنظر کردن از درامد نفت گرچه به سختی ولی ممکن بود و چنین نیز شد. اما با گسترش و تعمیق وابستگی اقتصادی و مسلم فرض شدن الگوی مصرف وابسته، از درامد نفت دیگر نمی توان در کوتاه مدت و تنها با تصمیم گیری سیاسی - اقتصادی بی نیاز شد، بلکه تغییرات ساختاری اقتصادی برای تحقق آن لازم است.

✱ نفت خام مانند سایر مواد اولیه مورد نیاز کشورهای صنعتی در بازاری به فروش می رسد که «بازار خریدار» است. این خریداران همواره به شکلی عمل می کنند که مواد مورد نیاز آنان بیش از میزان تقاضا، تولید و عرضه شود تا قیمت آنها درسطح پایینی قرار بگیرد.

جدول شماره ۸ـ نفت خام تحویلی به پالایشگاه‌های ایران (به میلیون مترمکعب)

پالایشگاه / سال	۱۳۲۵	۱۳۳۶	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
پالایشگاه آبادان	۲۰	۲۰/۷	۲۱/۵	۲۰/۹	۲۱	۲/۱	۲۰/۸	۲۱/۸	۲۲/۲	۲۲	۲۲/۹	۲۳/۰	۲۶/۱	۲۹/۸	۰	۰
پالایشگاه کرمانشاه	۵/۲	۵/۷	۱۰/۹	۱۰/۴	۱۰	۱۰/۱	۱۰/۲	۱۰/۱	۱۰/۱	۱۰/۲	۱۰/۷	۰/۰	—	—	—	—
پالایشگاه اصفهان	۹/۲	۹/۱	۹/۵	۹/۱	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۷	۹/۷	—	—	—	—
پالایشگاه تهران	—	—	۲/۹	۳/۸	۹/۵	۲/۶	۱۷	۲/۸	۵/۹	۸/۷	۸/۶	۱۰	۹/۸	۹/۹	۱۰/۹	۱۲/۰
پالایشگاه تبریز	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۳/۱	۲/۹	۳/۵	۴/۲
پالایشگاه شیراز	—	—	—	—	—	—	—	۰/۸	۱/۸	۲	۱/۹	۱	۱/۲	۱/۹	۲/۳	۲/۱
پالایشگاه بندرعباس	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۶	۰/۶	۰/۷	۰/۸	۰/۹	۰/۸	۰/۹	۰/۸	۰/۷	۰/۶	۰/۲	۰
پالایشگاه اصفهان	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۰/۵	۷/۶	۱۲/۱
پالایشگاه خلیج فارس	۳/۲	۲/۹	۱/۷	۱/۹	۱/۳	۲/۳	۱/۷	۱/۶	۱/۱	۰/۹	۰/۹	۰/۸	۰	۰	۰	۰
مجتمع تقطیر لاوان	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۰/۵	۰	۰	۰	۰/۷
جمع	۳۳/۷	۳۹/۱	۴۶/۷	۴۶/۱	۴۷/۲	۴۸/۶	۴۷/۹	۴۹/۸	۳۱/۹	۳۲/۹	۳۵/۲	۳۸/۲	۳۱/۰	۲۶/۷	۲۹/۶	۳۱/۳

ماخذ تا سال ۱۳۵۶ آمارهای گزارش سالیانه به مالک مرکزی نقل شده و در صورت ارائه به میلیون تن مترمکعب در سال تبدیل شده است. از سال ۱۳۵۷ آمارها از سالنامه آماری سال ۱۳۶۱ نقل شده و حسب میلیون مترمکعب میباشد که بهمان صورت نقل شده است زیرا حدود اشتباه کمتر از ۱ درصد است.

جدول شماره ۹ـ الگوی مصرف فرآورده‌های نفتی در سالهای منتخب براساس ارقام جدول شماره ۴ـ (ارقام به درصد)

نوع فرآورده	۱۳۳۷	۱۳۵۷	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲
بنزین موتور	۱۷/۶	۱۱	۱۷	۱۸	۱۶	۱۲	۱۳/۵	۱۲
فرآورده‌های میان تقطیر	۲۸/۹	۵۳	۵۳	۵۳	۵۰	۴۹	۵۲	۵۳
نفت کوره	۳۳/۵	۳۰	۲۹	۲۹	۲۵	۲۹	۲۵/۵	۲۹
فرآورده‌های دیگر	-	۷	۱۰	۸	۹	۸	۹	۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

صادرکننده وسایل حمل و نقل به ایران از آن منتفع شده‌اند. از طرفی با تراکم وسایل نقلیه به چند میلیون دستگاه، واردات قطعات یدکی آنها، استهلاک شدید وسایل نقلیه وارد شده، واردات دستگاههای تازه برای جایگزینی آن‌ها و پاسخ به تقاضاهای جدید به تدریج فشار خردکننده‌ای بر بازرگانی خارجی ایران وارد شده (۳۱) و خروج ارز درمالی از فروش نفت خام را جهت جبران واردات مذکور تشدید کرده است. در حالیکه با تأکید روی مصرف گاز برای مصرف خانگی، تجاری و حتی حمل و نقل و استفاده از وسایل نقلیه عمومی بجای شخصی و با تأکید روی راه‌آهن اعم از شهری و بین شهری می توان ساختار مصرف دیگری را بوجود آورد. واقعیت تأسف‌آور اینکه حتی در مورد مصرف داخلی فرآورده‌های نفتی روابط اقتصادی غیر منطقی حاکم است و ما مصرف کنندگان فرآورده‌های نفتی، بیش از آنچه آثار مصرف‌مان به درون جامعه برگردد، به بیرون کشیده شده است و اقتصادهای مسلط خارجی، از مصرف مذکور در نهایت امر استفاده کرده‌اند و باعث شده‌اند که از این طریق رشته محکمی بر پنجه‌های وابستگی اقتصادی ما افتاده شود.

۵ـ ضعف صنایع پتروشیمی

صنایع پتروشیمی از دو نظر یعنی تأمین مصرف داخلی وامکان صدور کالاهای ساخته شده از آن از اهمیت خاصی برخوردار هستند بخصوص اینکه با توجه به مقادیر قابل توجه گازهای استخراج شده به همراه منابع نفت و گاز، ایران با ۱۲ تریلیون متر مکعب و یا ۱۷ درصد ذخایر گاز جهان، از نظر میزان ذخیره گاز دومین کشور در دنیا به شمار می آید. با توجه به مواد پرشمار وگوناگون ساخته شده از گاز و نفوذ این مواد در تولید انواع کالاها و جایگزینی آن‌ها با چوب، الیاف طبیعی (اعم از پنبه، پشم و ابریشم)، فلزات در بسیاری موارد، لاستیک طبیعی، روغن‌ها، حلالها، رنگهای طبیعی، شیشه، کاغذ و... تصویری از امکانات عظیم صنایع پتروشیمی ترسیم می‌شود که با در نظر گرفتن منابع گاز ایران، میزان مصرف مواد پتروشیمی کشور و رو به پایان رفتن منابع نفت ایران و نیاز شدید جهان به این مواد و کالاها می توان طرحی نو از این صنعت درانداخت.

تاکنون با ایجاد چند مجتمع پتروشیمی، برای تأمین کود شیمیائی در داخل و تولید برخی مواد اولیه در صنایع شیمیائی برای استفاده محدود در صنایع مبانی پتروشیمی و همچنین صادرات آنها به این صنعت توجه شده است. با صدمه دیدن برخی از صنایع پتروشیمی ایران در اثر جنگ تحمیلی و عدم تکمیل و راه‌اندازی مجتمع پتروشیمی بندر امام و عدم ایجاد مجتمع‌های پتروشیمی جدید بعد از انقلاب همان امکانات محدود در مورد این صنایع نیز محدودتر شده است و حتی گاز به جائی کشیده شده است که برای مصرف داخلی مواد شیمیائی و پتروشیمی، رقمی نزدیک به ۲۰ درصد از ارزش واردات در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ را صرف واردات الیاف شیمی و مصنوعات این مواد، فرآورده‌های صنایع شیمیائی و صنایع وابسته به آن کرده‌ایم. در سال ۱۳۶۲ تنها ۱/۶ میلیون تن کود شیمیائی ۲۷۴ هزار تن مواد پلاستیک و ۱۸۱ هزار تن کائوچوی طبیعی یا مصنوعی و ۳۸۱ هزار تن انواع محصولات شیمیائی وارد شده است. چنین واردات سنگینی در زمینه مواد شیمیائی و پتروشیمی خود بیانگر گسستی‌های وخیم در صنایع پتروشیمی ایران و مشکلات ساختاری آن تنها از نظر تأمین نیازهای داخلی می‌باشد. در حالیکه توجه به صنایع مذکور از دید تأمین ارز خارجی مورد نیاز اقتصاد کشور و کاملاً جایگزین شدن آن با در آمدهای ناشی از صادرات نفتخام سیمائی کاملاً متفاوت از وضعیت فعلی این صنایع را ترسیم می کند که اکنون از آن بسیار دور هستیم.

۶ـ عدم وجود موسسات علمی و تحقیقاتی متناسب با صنایع نفت و پتروشیمی

اگر وجود موسسات علمی و تحقیقاتی را از پایه‌های اصلی هر گونه حرکت صنعتی مستقل بدانیم، ملاحظه وضع موسسات آموزشی و پتروشیمی کشور در سطوح مختلف بیانگر نارسائی شدید در این زمینه‌ی اساسی است. چون موسسات آموزشی تنها به پرورش نیروی ماهر در سطوح مختلف نمی پردازند بلکه به پرورش بخشگان علمی که قادر به تضمین راستای حرکت مستقل علمی کشور بوده و استقلال علمی و فرهنگی جامعه را تامین کنند نیز می پردازند و لذا خروج از وابستگی علمی، فنی و صنعتی موجود، توجهی دیگر را نسبت به ایجاد گسترش و تعمیق موسسات علمی در جهت رفع کلیه نیازهای جامعه به ویژه صنایع نفت و پتروشیمی ضروری می‌سازد.

از نظر تعداد موسسات تحقیقاتی، سرمایه‌های اختصاص یافته به آن و کارکنان تحقیقاتی نیز کمبودهای شدیدی در کشور ملاحظه می‌شود. گذشته از کمبودهای عمومی در زمینه تحقیقات در کشور، در صنایع نفت و پتروشیمی نیز که از صنایع پیشرفته بوده و دامنه‌های آن‌ها در روزه در حال گسترش است و بخصوص با توجه به اینکه انحصار تکنولوژی در این صنایع در اختیار کشورهای صنعتی است و همچنین با توجه به اهمیت اساسی این صنایع برای کشور، وضع نامساعدتری وجود دارد.

با مقایسه‌ای بین نیروی متخصص به کار افتاده در سطح تحقیقات در شرکت نفتی اکسون (Exxon) در سال ۱۹۸۳ که از ۱۵۶ هزار نفر شاغلین در این شرکت حدود ۱۲ هزار نفر و یا حدود ۷/۷ درصد محقق بوده‌اند و حدود ۸۷ هزار نفر شاغل در وزارت نفت و شرکتهای وابسته به آن که در میان آنها کمتر از ۵۰۰ نفر و یا حدود ۰/۶ درصد محقق وجود دارد. (۳۲) عمق تاسف بار کمبودهای پژوهشی در صنایع نفت و پتروشیمی کشور مشاهده می‌شود.

تامین نیازهای داخلی به مواد نفتی و کالاهای با منشاء پتروشیمی و بدست آوردن امکاناتی مشابه صدور نفت خام از نظر درامد ارزی که لازمه‌ائی گسترش صنایع کنونی و ایجاد صنایع جدید است در بهترین شرایط خود تنها می تواند سطوحی از ارزش افزوده این صنعت را به داخل بکشاند. در این سطح نیز مرحله نهایی وابستگی که وابستگی تکنولوژیکی است همچنان پابرجا مانده و خودباین مساله پرداختهای سنگینی را علاوه بر تاثیری در دریافت ارزشهای خارجی، الزام آور می‌سازد. ایجاد و گسترش موسسات علمی و پژوهشی متناسب با نیازهای فعلی و آینده این صنایع، تضمین کننده کسب استقلال در کلیه وجوه آن می باشد.

۷ـ عدم وجود صنایع سنگین متناسب با نیازهای صنایع نفت و پتروشیمی

در بخش قبلی به وجود نارسائی در زمینه‌های آموزشی و تحقیقاتی با توجه به نیازهای صنایع نفت و پتروشیمی در زمینه تامین نیازهای داخلی و کسب درامد ارزی از طریق صدور کالاهای ساخته شده توسط این صنایع اشاره شد و وابستگی به خارج در این زمینه متذکر گردید. اکنون از زاویه دیگری که به همان اندازه دارای اهمیت است به این مساله توجه می‌شود با در نظر گرفتن این نکته که هر گونه دانش فنی ای

بالاخره در نهایت می‌باید در وسایل تولید، مواد و کالاها تجسم یابد تا بتواند مورد استفاده قرار گیرد و این مساله که صرف داشتن اطلاعات علمی ولی مسایل مربوط به توسعه نیافتگی و وابستگی اقتصادی را حل نمی کند. وجود صنایع و امکانات صنعتی که بتواند این مهم را تحقق بخشد، ارزش آور است واقعیت تلخ وابستگی در صنایع ایران و به ویژه صنایع سنگین (شامل توپ فلزات و ماشین سازی‌ها) بدان گونه است که در سال ۱۳۶۳ با اینکه هفت سال از پیروزی انقلاب می گذشت، بدلیل تداوم وابستگی اقتصادی به ارث رسیده از رژیم وابسته گذشته هنوز ۵۳/۸ درصد مواد خام و اولیه‌ی مصرف شده در کارگاههای بزرگ صنعتی کشور از خارج تامین شد در حالیکه در داخل کشور صنایعی که این مواد را تولید کند وجود ندارند. در برخی صنایع از جمله، صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی با ۷۳/۴ درصد، صنایع شیمیایی با ۷۳/۱ درصد و صنایع تولیدات فلزات اساسی با ۶۳/۵ درصد (۳۴) وضع وابستگی به مواد اولیه خارجی وخیم تر از کل صنایع است

تصویر مزبور بیانگر نارسائی وخیم صنایع ایران از نظر تامین مواد اولیه آنها در داخل است ولی در عین حال نارسائی در صنایع سنگین ایران را بطور مشخص نشان نمی‌دهد. این تصویر بیانگر وجود آنچنان صنایعی در ایران است که ریشه و اساس حرکتشان از نظر مواد اولیه مصرفی، در خارج قرار دارد (البته در این تصویر کلیه صنایع ایران قرار دارند)

در اینجا قبل از بررسی وابستگی صنایع کشور به قطعات و ماشین آلات خارجی، وابستگی به مواد اولیه را در صنایع نفت و پتروشیمی مورد توجه قرار می‌دهد

در تصویر نزدیکتر از بحث مورد نظر، وابستگی صنایع نفت و پتروشیمی از نظر تامین مواد اولیه و عدم وجود صنایعی که این مواد را در داخل تولید کند مطرح است. این صنایع که تعدادشان در سال ۱۳۶۲ حدود ۱۰۹۹ کارگاه از ۷۱۲۸ کارگاه بزرگ صنعتی کشور و با حدود ۱۵/۶ درصد آنها بوده است، حداقل ۱۶ درصد صنایع تولید محصولات متفرقه از نفت و ذغال سنگ، و حداکثر ۲۹ درصد (صنایع تولید الیاف مصنوعی و مواد پلاستیک) از نظر ارزش مواد اولیه مصرفی به خارج وابسته بوده‌اند (جدول شماره ۱۰).

وابستگی صنایع نفت و پتروشیمی به مواد اولیه خارجی که حتی پالایشگاههای کشور را نیز شامل می‌شود ۳۸۱ درصد، با توجه به وجود صنایع مشتق نفت و گاز در کشور و سابقه نزدیک به هشتاد ساله ایجاد صنعت نفت در ایران و انتقال تکنولوژی صنایع آن به داخل، تصویری دیگر از نیروی بودن صنعت نفت و عدم ارتباط آن با داخل و یکپارچگی آن با اقتصاد جهانی را ارائه می‌دهد.

در همین سال (۱۳۶۲) برای واردات مواد اولیه مصرفی صنایع مذکور حدود ۱/۵ میلیارد دلار پرداخت شده است و این رقم بجز ارقام مربوط به واردات قطعات و ماشین آلات و دانش فنی (تکنولوژی) از خارج برای این صنایع است.

نارسائی در صنایع کشور تنها در عدم توانائی تولید ماشین آلات و وسایلی که مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور، از جمله صنایع نفت و پتروشیمی را تولید کند خلاصه نمی‌شود بلکه نارسائی این صنایع در بعد عمیقتر که تولید ماشین آلات و وسایل تولید برای صنایع نفت و پتروشیمی می‌باشد نیز وجود دارد.

با توجه به اینکه صنایع مصرفی و سبک و اصولا هرگونه ماشین آلات و ابزار تولیدی، توسط صنایع سنگین (اعم از صنایع توپ و ماشین آلات) ساخته می‌شود و این صنایع با تبدیل مواد معدنی، به وسایل تولید، حلقه اساسی استقلال صنعتی محسوب می‌شوند. بررسی صنایع سنگین ایران که باید علت وجودی صنایع سبک به شمار آیند، این واقعیت تلخ را آشکار می‌سازد که وابستگی در این گروه به کیفیتی عمیق‌تر و شدیدتر از وابستگی به مواد اولیه است.

در سال ۱۳۵۸ صنایع سنگین ایران تنها قادر به تامین ۴/۳ درصد از ماشین آلات و قطعات یدکی مورد نیاز صنایع از خود بوده است و ۹۵/۷ درصد بقیه از خارج تامین شده است (جدول شماره ۹). در برخی رشته‌ها از جمله صنایع نساجی، ماشین آلات و شیمیایی، وضع وابستگی به خارج از نظر تامین ماشین آلات و قطعات خارجی وخیم‌تر از سایر رشته‌ها بوده است. عمده‌ترین کشورهای تامین کننده این نیاز (ماشین آلات و قطعات) آلمان غربی، انگلستان، ژاپن، فرانسه و ایتالیا بوده‌اند. در مورد کشورهای تامین کننده مواد اولیه مصرفی صنایع ایران بر حسب همین منبع آماری وضع مشابهی وجود دارد؛ و آنان همان کشورهای عمده خریدار نفت ایران می‌باشند. با توجه به خصوصیات فنی ماشین آلات و قطعات وارداتی که در پاره‌ای موارد کاملا جنبه انحصاری پیدا کرده و به آسانی نمی‌توان آنرا از کشور دیگری تامین کرد (در مورد مواد اولیه مصرفی نیز چنین امری به همین دلیل صادق است) و وابستگی‌های سه گانه به دانش فنی، مواد اولیه و قطعات و ماشین آلات خارجی و با درنظر گرفتن این نکته که هرگونه وارداتی از این نوع، از شهای مصرفی کشور همان را نیز متقبل می‌سازد. این امر صرفا بعد اقتصادی نداشته و ابعاد سیاسی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.

تصویر دردناک فوق بیانگر آنچنان ساختاری از صنایع و به ویژه صنایع سنگین ایران است که نارسائی و نامتوازنی در آن و بی ارتباطی صنایع سنگین با صنایع مصرفی، نفت و پتروشیمی وجه مشخص آن می‌باشد. گرچه در مورد صنایع نفت و پتروشیمی آمار دقیقی در دسترس نیست، ولی چنین تصویری از امکانات صنایع سنگین ایران با توجه به پیشرفته‌تر بودن ماشین آلات و ابزارهای صنایع نفت و پتروشیمی نسبت به دیگر صنایع و نیاز به سطح صنعتی، علمی و فنی بالاتری برای ساخت آنها، می‌تواند استنتاج فوق را مبنی بر عدم تناسب صنایع سنگین ایران با نیازهای فعلی و آتی صنایع نفت و پتروشیمی در دو زمینه رفع نیازهای داخلی و صادراتی، پذیرفت

نکته قابل توجه در این بحث تامین ماشین آلات و ابزار مورد نیاز صنایع پتروشیمی از سوی صنایع سنگین در سه سطح بنیادی، میانی و نهائی و همچنین تولید ماشین آلات و وسایلی است که بتواند مواد اولیه مصرفی صنایع نفت و پتروشیمی را در داخل تولید کند، وگرنه همانگونه که تصویر وابستگی به مواد اولیه نشان می‌دهد، وابستگی ماشین آلات جای خود را به وابستگی مواد اولیه می‌سپارد.

در تصویر کلی ارائه شده، در ابتدای مقاله از عمده مصرف کنندگان نفت جهان و عمده وارد کنندگان نفت که تقریبا طرفهای عمده خریدار نفت ایران نیز هستند، سیمائی ارائه شد و در بخش دیگر نیز به این نتیجه گیری دست یافتیم که پس از جنگ جهانی کشورهای مزبور با ایجاد پالایشگاه، ضمن افزایش شدید واردات نفت از واردکنندگان فراورده های نفتی، به واردکنندگان نفت خام تبدیل شدند. در پی این تغییر و دیگر الزامات خارجی که در سایر بخش ها به بررسی آنها اقدام شد به این نتیجه مهم یعنی، منطبق شدن سیاس و دانش صنعت نفت ایران با نیازهای مصرف کنندگان عمده نفته دست یافتیم و اکنون پیوند دیگری را مورد بررسی قرار می دهیم که کلیت اقتصاد ایران را شامل می‌شود.

اگر صنعت نفت با چنین ساختاری، صنعتی نیروی است

✱ درآمد هر بشکه نفت برای ایران که در ابتدا ۱۷ سنت بود با تشکیل اوپک به ۱/۲۵ دلار رسید و با آغاز تغییرات اساسی در شرایط بازار در اوایل دهه ۱۳۵۰ به ۹/۳۲ دلار در اواخر سال ۱۳۵۲ و ۳۶ دلار در اواخر سال ۱۳۵۹ رسید و از آن پس سیری نزولی یافت.

✱ مصرف فرآورده‌های نفتی در ایران بطور عمده جنبهٔ غیرتولیدی دارد، درحالیکه در کشورهای صنعتی مصرف کننده نفت، بخش قابل توجهی از مصرف فرآورده‌ها به صورت نفت کوره، مستقیماً مصرف تولیدی داشته و سایر مصارف نیز به طور غیرمستقیم در خدمت تولید است.

جدول شماره ۱۰ـ وابستگی به مواد اولیه مصرفی در کارگاههای بزرگ شیمیائی نفت و پتروشیمی (ارقام به میلیارد ریال و درصد)

فعالیت	تعداد کارگاه	ارزش مواد اولیه مصرفی: داخلی	ارزش مواد اولیه مصرفی: خارجی	درصد مواد اولیه خارجی بکل مواد اولیه مصرفی	ارز مصرف شده
۱ـ صنایع شیمیائی	۵۸۱	۱۱۸/۵	۸۱/۹	۲۰	۷۳/۸
تولید مواد شیمیائی صنعتی	۶۳	۱۵/۵	۱۱/۷	۴۲	۲۱/۳
تولید مواد شیمیائی اساسی صنعتی غیرارگانیک	۹۸	۵/۲	۳/۹	۳۶/۲	۲/۱
تولید کودها و سموم دفع آفات	۱۱	۲/۵	۱/۲	۳۳/	۰/۰۹
تولید الیاف مصنوعی و مواد پلاستیکی	۲	۷/۶	۷/۳	۲۹	۱۹/۱
۲ـ تولید سایر محصولات شیمیائی	۱۷۷	۵۲/۷	۳۷/۵	۳۹/۵	۳۳/۹
تولید رنگ و لاک	۳۲	۱۱/۸	۸/۹	۴۱/۷	۲/۵
داروسازی	۲۰	۱۲/۲	۹/۷	۴۰/۷	۱۷/۲
تهیه صابون و مواد تمیز کننده و عطر و لوازم آرایش	۶۵	۲۲/۰	۱۳/۸	۳۴/۲	۱۰/۹
تولید سایر انواع محصولات شیمیائی	۲۸	۲/۷	۲/۵	۳۵	۱/۲
۳ـ پالشگاههای نفت	۷	۵/۲	۳/۲	۳۸	۲/۹۶
تهیه مواد سوختی و غیرسوختی نفت	۷	۵/۲	۳/۲	۳۸	۲/۹۶
۴ـ تولید محصولات متفرقه از نفت و ذغال سنگ	۳۰	۱/۷	۰/۳	۱۶	۰/۰۷
تولید محصولات متفرقه از نفت و ذغال سنگ	۳۰	۱/۷	۰/۳	۱۶	۰/۰۷
۵ـ تولید محصولات لاستیکی	۴۱	۱۲/۳	۹/۰	۴۲/۴	۷/۶
صنایع لاستیک روئی داخلی اتومبیل	۷	۷/۱	۵/۶	۴۴	۵/۲
تولید سایر محصولات لاستیکی	۳۴	۵/۲	۳/۹	۹۰	۲/۹
۶ـ تولید محصولات پلاستیکی	۴۶۳	۳۱/۱	۲۳/۳	۴۲/۸	۷/۹۶
تولید انواع محصولات پلاستیکی	۴۶۳	۳۱/۱	۲۳/۳	۴۲/۸	۷/۹۶

ماخذ: نشریه «آمار و صنعت» خلاصه آمار کارگاههای بزرگ صنعتی ۱۳۶۲ منتشره در خرداد ۱۳۶۴ مرکز آمار ایران صفحه ۲۰۶

در الزامات مربوط به صنعت و سوی آن از خارج تعیین می شود با دیگرگونی های ساختاری در اقتصاد ایران و عمومی شدن الگوی مصرف که نه در جهت رفع نیازهای توسعه صنعتی، کشاورزی و خدمات واقعی ایران، بلکه در راستای تأمین صنایع سایر کشورها کالا به ایران است، پیوند جدیدی بین اقتصاد ایران و اقتصاد کشورهای صنعتی سرمایه داری بوجود آمد که توجه به آن حرکت در مسیر ساختار ایجاد شده در صنعت نفت را می طلبد. بدین ترتیب پیوند دوگانه ای به شرحی که خواهد آمد در اقتصاد ایران پدیدار شده که هریکی دیگری را تغذیه می کند.

۸ـ وابستگی دوبعدی اقتصادی

اقتصاد ایران در یک قرن اخیر به ویژه از فردای کودتای ۱۲۹۹ با گسترش روابط سرمایه داری صدمه را گاه پرشتاب و گاه کند گذراند که نتیجه آن تا قبل پیروزی انقلاب پیوند یکپارچه اقتصاد کشور با اقتصاد جهانی سرمایه داری است.

در دوره رضا شاه با واردات صنایع جدید ماشینی مصرفی و گسترش روابط پولی، نظم جدید بنیان گذاری شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد با انجام اصلاحات ارضی، سیل واردات صنایع مونتاژ و انواع کالاهای مصرفی تغییرات عمیق ساختاری در اقتصاد ایران بوجود آمد. پس از افزایش قیمت نفت، از سالهای اوایل دهه ۱۳۵۰ و چند برابر شدن درآمد نفت، تغییرات مزبور به شدن گسترش یافت و اقتصادی سراپا وابسته با الگوی مصرفی متناسب با آن در ایران پدیدار شد (۳۲).

در نتیجه همگرائی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی، افزایش واردات کالا از ۲۰۰ میلیون دلار در ابتدای دوره پس از کودتای ۱۳۳۲ به ۱۶/۶ میلیارد دلار و واردات خدمات به ارزش ۷/۹ میلیارد دلار و با روی هم ۲۴/۵ میلیارد دلار (واردات کالا و خدمات) در سال ۱۳۵۶ رسیده است. (۳۵). [illegible] واردات کالا ۲۲/۳ میلیارد دلار) و خدمات ۱/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۲ـ که بیشترین واردات در سال های پس از انقلاب تا سال مزبور بوده است ـ مجموعاً به ۲۴/۲ میلیارد دلار رسید (۳۶). این امر تداوم نیاز های ساخت اقتصادی، وابسته را در سال های پس از انقلاب نشان می دهد.

البته این نکته را باید درنظر داشت که اولاً در سال های قبل از سال ۱۳۶۲ میزان واردات کمتر بوده و ثانیاً دلار

قدرت خرید سابق خود را نداشته است ولی کلیت مسأله همان ادامه نیاز اقتصاد وابسته ایران به خارج است که از ارقام مزبور برمی آید. در دوره ملی کردن صنعت نفت که اقتصاد ایران هنوز مراحل ابتدائی همگرائی را می گذراند صرفنظر کردن از درآمد نفت کرچه به سختی ولی ممکن بود و چنین نیز شد. با گسترش و تعمیق وابستگی اقتصادی و مسلم فرض شدن الگوی مصرف وابسته، دیگر از درآمد نفت نمی توان در کوتاه مدت و تنها با تصمیم گیری سیاسی ـ اقتصادی در این زمینه سخن ساز شد، بلکه تغییرات ساختاری اقتصادی برای تحقق آن لازم است. گفته شد که عمده خریداران نفت ایران چند کشور معین در اروپای غربی، ژاپن و آمریکا بودند. سهم ایران از صادرات نفت ایران در سال ۱۳۵۲ حدود ۸۹ درصد، سال ۱۳۵۶ حدود ۷۷/۷ درصد و در سال ۱۳۶۲ حدود ۶۸/۶ درصد بوده است. اکنون این نکته اضافه می شود که ایران در همین سال ها به ترتیب ۷۶/۳ درصد، ۷۶/۶ درصد و ۵۹/۲ درصد از واردات کالای ایران را در اختیار داشته اند و هشت کشور نیز شامل ژاپن و اروپای غربی به عنوان عمده ترین خریداران نفت ایران در سال ۱۳۶۲ با سهم ۸۰/۸ درصد از صادرات نفت ایران حدود ۵۴ درصد از واردات کالا به ایران را به عهده داشته اند (۳۷).

البته در برخی سالها و در مورد برخی از کشورها ارتباط متقابل بین صادرات کالا به ایران و در مقابل واردات نفت از کشورمان مشاهده می شود که وضع بدتری از نظر وابستگی اقتصاد ایران را نشان می دهد. به عنوان مثال آلمان غربی در سال ۱۳۶۲ حدود ۵/۸ درصد صادرات نفت ایران را در مقابل ۱۹ درصد واردات ایران در اختیار داشته و انگلستان در همین سال بدون خرید هیچگونه نفتی از ایران ۶ درصد کالاهای وارداتی ایران را به خود اختصاص داده است.

وابستگی دو بعدی به اقتصاد جهانی سرمایه داری موجب همگرائی اقتصاد ایران با این اقتصاد شده است. دو محور اساسی این وابستگی، صادرات نفت خام برای رفع نیازهای امپریالیسم و واردات کالاها برای رفع نیازهای اقتصاد وابسته است. همگرائی صنعت نفت ایران و همگرائی سایر بخش‌های اقتصادی و الگوی مصرف کشور که در واردات ایران تجلی می یابد دو حلقه اساسی وابستگی را تشکیل داده اند که در ضمن تقویت کننده هم نیز می باشند.

بدین ترتیب در شرایطی که اقتصاد ایران وابسته است و الگوی مصرف وابسته نیز به عنوان امری موجود و بدیهی ادامه یافته است فعلاً سالانه ناگزیر به تأمین حدود ۲۰ میلیارد دلار درآمد ارزی هستیم و لذا ناچار به فروش نفت، آن هم تا حدودی که بتواند این مقدار ارز را تأمین کند می باشیم و به عبارت دیگر مجبور به فروش نفت به مقدار زیاد و به طور خام به عمده خریداران جهانی نفت، که همان کشورهای صنعتی سرمایه‌داری می باشند هستیم. این امر نوعی وابستگی دو بعدی را که یکی دیگری را تغذیه می کند بوجود آورده است. با رشد جمعیت در شرایط الگوی وابسته مصرفی و عدم تغییر ساختار اقتصادی، نیاز به واردات کالا افزایش می یابد و در شرایط عدم وجود کالای دیگر در صادرات، صدور نفت، آن هم نفت خام افزایش خواهد یافت. نفت خام را کشورهای خاصی می خرند و با توجه به شرایط بازار بین المللی نفت و خصوصیت مصرف در جامعه آنان با استفاده از اجبار ما در فروش نفت خام، کالاهای خاص خود را به ما می فروشند که خود این مسأله وابستگی اقتصادی و الگوی مصرف وابسته را تشدید کرده و نیاز به ارز را افزایش می دهد و این در حالی است که زیر ذائقه فشار افزایش تقاضای ناشی از عوامل مختلف از جمله رشد جمعیت در شرایط وابستگی اقتصادی، ناگزیر به افزایش واردات می باشیم. به دلیل تسلط امپریالیسم بر هر دو بازار مورد نظر، ما توانائی کمتری در تحقق افزایش واقعی واردات خواهیم داشت. علاوه بر تسلط امپریالیسم بر بازار کالاهایی که ما خریدار آنها هستیم که نتیجه آن افزایش قیمت این کالاهاست و همچنین تسلط امپریالیسم بر بازار نفت جهان که نتیجه آن کاهش قیمت نفت و نوسان‌های شدید در آن است، نوسان منابع نفتی کشور عامل محدود کننده دیگری در افزایش واردات محسوب می‌شود. اگر افزایش مصرف داخلی فرآورده‌های نفتی را که با توجه به رشد جمعیت و رشد شهرنشینی و گسترش الگوی مصرف وابسته، تشدید خواهد شد به مسأله محدودیت منابع نفت اضافه کنیم، اهمیت نگرشی بلند مدت برای چاره اندیشی و رفع نیازهای ارزی وارداتی و رها شدن اقتصاد از وابستگی به درآمد نفت بیشتر آشکار می‌شود.

با توجه به اینکه امپریالیسم در تحمیل الگوی مصرف خود به جهان سوم و از جمله کشورهای صادر کننده نفت در برابر آنها اقدامی مشابه برخوردی که با ایران داشته است انجام داده، آثار صادرات نفت همه و کشورهای عضو اوپک برای تأمین نیازهای ارزی مربوط به واردات خود، نتیجه‌ای جز کاهش قیمت نفت در بر نداشته است. محدود کردن تولید و صدور برای افزایش قیمت و یا جلوگیری از آن نیز نهایتا

به سقف حداقل نیازهای قابل قبول ارزی کشورهای عضو اوپک برخورد می کند. ضمن اینکه ترکیب اعضای اوپک از نظر سیاسی و تولید کنندگان خارج از اوپک مانع تحقق هدف فوق خواهد شد.

چاره چیست؟

بررسی وابستگی در صنعت نفت و ایجاد مختلف آن خود راه حلهایی را برای خروج از وابستگی و نیل به کسب استقلال اقتصادی در این صنعت ارائه می دهد. از این نظر مراتب زیر را به عنوان نتیجه گیری و راه حلهای کلی می توان بیان داشت.

۱- اکتشافات نفتی را می باید به تدریج و به طور موزون تا مرحله حفاری های اکتشافی در سراسر ایران گسترش داد. با توجه به مصرف مناطق مختلف کشور و تاثیر استخراج و پالایش نفت در آن مناطق از نظر کشاندن منطقه به سوی توسعه و کسب توسعه و رشد موزون اقتصادی در سراسر کشور، از اکتشافات موزون انجام شده می توان بهره گرفت.

۲- جهت درونی کردن صنعت نفت، می باید نیازهای ارزی کشور را به حداقل رساند و با ایجاد و گسترش پالایشگاههای صادراتی به تدریج از صدور نفت خام به صدور فرآورده های نفتی رسید. در همین راستا باید با افزایش ارتباط اقتصادی با کشورهای جهان سوم و کشورهایی که خاصر به برقراری مبادله تجاری عادلانه هستند، با صدور فرآورده های نفتی، نیازهای کشور را تامین کرد و از ارتباط با خریداران عمده فعلی نفت به تدریج کاست. با تولید محصولات جدید نفتی، ضمن افزایش ارزش افزوده استخراج و پالایش نفت خام، می توان برطیف خریداران افزود. با تمرکز کلیه اطلاعات وارداتی و صادراتی در مورد کشورهای خریدار نفت ایران و فروشندگان کالا به ایران، می توان ضمن برقراری موازنه کلی بازرگانی، برای کالاهای غیر نفتی نیز بازار یابی کرد و از این طریق به تدریج نفت و فرآورده های آن را تنها در ازای تکنولوژی و صنایع اساسی صادر کرد.

۳- با افزایش شبکه لوله گاز، باید از گاز استخراج شده به همراه نفت به طور کامل استفاده کرد. همانگونه که، با تزریق مجدد آن به داخل چاههای نفتی و استفاده از آن به عنوان ماده اولیه صنایع پتروشیمی، می توان از هدر رفتن گاز به همراه نفت جلوگیری کرد.

۴- با توجه به اهمیت حضور در حمل و نقل دریایی و فروش مستقیم نفت به خریداران با وسایل حمل ایرانی، ایجاد ناوگان نفتکش ایران متناسب با مقدار نفت صادراتی - علیرغم سهولت اجاره کشتی نفتکش در شرایط عادی - ضروری اساسی دارد. ایجاد صنایع کشتی سازی در مقیاسی که به کلیه نیازهای نظامی، بازرگانی و نفتی کشور پاسخ دهد، گام نهادن در راستای واقعی داشتن ناوگان نفتکش ملی متناسب با صادرات نفت است.

۵- گرچه تعیین قیمت نفت و جلوگیری از نوسان درآمدهای حاصل از صادرات آن با توجه به ساخت بازار بین المللی نفت امری نیست که به تنهایی از عهده ایران برآید ولی با تدابیری می توان از شدت آثار منفی این امر کاست. اصولاً تسلط کشورهای صنعتی بر بازارهای جهانی که در جهت تامین منافع شرکتهای چند ملیتی است، موجب کاهش قیمت مواد خام اعم از کشاورزی و معدنی و ایجاد نوسان در درآمد کشورهای صادر کننده این کالاها می شود. خریداران مزبور، علاوه بر تحمیل اضافه هزینه در مورد نیازهای خود بسته به این که مرحله روش و یا گسادی را بگذرانند، تقاضا برای مواد خام را افزایش و یا کاهش می دهند و کلیه کشورهای صادر کننده مواد خام ناگزیر از تحمل آثار زیانبار و مخرب کاهش قیمت این مواد و نوسان درآمد ارزی ناشی از صادرات آن می باشند. در مقابل با این سیاست امپریالیسم چه می توان کرد؟ در بلند مدت و برای تامین استقلال نهایی، علاوه بر تغییر الگوی مصرف و کاهش واردات، باید اقتصاد کشور از حالت تک محصولی خارج شود. برای تحقق این امر باید نوع صادرات، از نفت خام به کالاهای مصرفی ساخته شده از

> ✱ اتخاذ سیاست انرژی ارزان در کشور به دلیل عدم ایجاد ساختار صنعتی و الگوی مصرف متناسب با آن، موجب انتقال آثار توسعه بخش مربوط به این سیاست به خارج شده و صنایع سنگین و اتومبیل سازی کشورهای صادرکننده وسایل حمل و نقل به ایران از آن منتفع شده اند.

نفت و گاز تبدیل شود.

در کوتاه مدت، با فعال بودن در سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) و ایجاد وحدت بیشتر در درون آن، می توان از اشباع بازار بین المللی نفت با کنترل تولید و صادرات نفت، پرهیز کرد. با توجه به اینکه حربه اصلی کشورهای عمده مصرف کننده نفت (مشابه دیگر مواد خام)، ایجاد ظرفیتهای استخراجی و صادراتی بیش از حد نیاز بازار و پدید آوردن اقتصادهای وابسته در کشورهای تولید کننده نفت می باشد - که آنان را ناگزیر به صدور هر چه بیشتر نفت برای تامین نیازهای چنین اقتصادی می کند - تغییرات ساختاری اقتصادی در دیگر کشورها نیز ضرورت دارد.

کشورهای مصرف کننده نفت، تحت گروه بندی مؤثر اوپاس بین المللی انرژی، از سال ۱۹۷۴ به بعد، علاوه بر مرحله جویی در مصرف نفت و جایگزینی آن با دیگر انرژی ها، به ایجاد ذخایر استراتژیک قابل توجهی از نفت که چند ماه مصرف آنان را تامین می کند اقدام کرده اند و از آن به عنوان عاملی تهاجمی در جهت کسب منافع خود از جمله کاهش قیمت نفت استفاده می کنند. کشورهای مصرف کننده عمده نفت، با اتخاذ سیاست های مشترک نفتی از نظر متعدد کردن منابع خرید نفت، کاهش خرید از اوپک، پرهیز از رابطه دولت با دولت جهت اجتناب از ایجاد رابطه مبادله عادلانه با فروشندگان نفت، ضم رقابت با یکدیگر در رابطه با کشورهای صادر کننده نفت و سایر تمایل، شرایط بین المللی مناسبی را برای خود به وجود آورده اند. این سیاستها در کنار همراهی برخی از کشورهای عضو اوپک از جمله عربستان و استفاده از کلیه وسایل ممکن برای مؤثریت این سیاستها به رهبری آمریکا، مشکلات بسیاری را برای حرکت پیروزمندانه اوپک بوجود آورده اند. در کوتاه مدت، هر کاهش نیاز ارزی به خارج - که این هم با توجه به اقتصاد و الگوی مصرف وابسته، به طور محدود میسر است - راه حلی نیست. هماهنگی با اعضای اوپک برای کاهش صادرات نفت جهت کاهش عرضه نفت جهان با هدف افزایش قیمت نفت در عرصه جهانی و بالاخره افزایش ذخایر ارزی کشور تا حدی که میزان این امکان ثبات درآمد ارزی را در چند سال امکان پذیر سازد، جزء راه حلهایی دیگر به شمار می آید. البته در صورت امکان با به وجود آوردن صندوق مشترکی در اوپک به همین منظور (برای ثبات درآمد ارزی کشورهای صادرکننده) می توان به ثبات درآمد ارزی که از ضروریات برنامه ریزی اقتصادی است در همه کشورهای عضو و از جمله ایران دست یافت.

۶- با توجه به ضعف صنایع پالایشگاهی ایران و الگوی مصرف وابسته و با در نظر گرفتن اهمیت پالایشگاهها از نظر مصرف داخلی و صادرات فرآورده های نفتی به جای نفت خام که تامین کننده اشتغال و ارزش افزوده بیشتر در داخل می باشند و بالاخره با توجه به پیوند پالایشگاهها و صنایع پتروشیمی، گسترش پالایشگاهها از صدور صنایع رهایی از اقتصاد تک محصولی محسوب می شود.

ایجاد پالایشگاههای محلی در استانهای مختلف کشور، به ویژه اگر با استخراج منابع نفتی آن مناطق هماهنگ شود، ضمن تامین نیازهای داخلی موجبات رشد و توسعه هماهنگ کشور را فراهم می سازد. ایجاد پالایشگاههای صادراتی نیز تبدیل صادرات نفت خام را به صادرات فرآورده ها امکان پذیر می سازد.

هماهنگی در اجرای طرحهای مزبور و گسترش صنایع پتروشیمی، می تواند حلقه های اساسی توسعه اقتصادی را ایجاد و شالوده مناسب و قدرتمند توسعه وخودپویه را پدید آورد.

اگر ایجاد پالایشگاهها با ایجاد مزبور در کوتاه مدت میسر نیست، تغییر الگوی مصرف فرآورده های نفتی در صورتی که با تصمیم گیری مناسب - در پی بررسی وضع موجود و ایجاد شرایط لازم برای مورد قبول قرار گرفتن آن - همراه باشد، می تواند در کوتاه مدت تحقق یابد. با کاهش مصرف بنزین، نفت و گاز (به ویژه بنزین) از طریق گسترش وسایل حمل و نقل عمومی در شهرها و گسترش حمل و نقل با راه آهن بین شهرها (از طریق کاهش قیمت بلیت قطارها و افزایش سرعت آنها همراه با کاهش توقف در ایستگاههای بین راه) همراه با افزایش قیمت این دو فرآورده به ویژه بنزین، می توان در کوتاه مدت تغییراتی در الگوی مصرف به وجود آورد. این امر، کاهش مصارف غیر تولیدی فرآورده های مزبور و قطع واردات آنها را در پی خواهد داشت. مهمتر از کلیه این موارد، محدودیت مصرف این دو فرآورده، کاهش آلودگی وخیم هوای شهرها، کاهش راه بندان ها، کاهش استهلاک وسایل نقلیه به ویژه اتومبیل سواری شخصی و در نتیجه کاهش وابستگی به خارج برای تامین وسایل و قطعات آنها را موجب خواهد شد.

بدیهی است در میان مدت و بلند مدت، با گسترش استفاده از وسایل نقلیه عمومی گازسوز و برقی، افزایش خطوط راه آهن، تغییر و اصلاح برخی از خطوط فعلی، تکمیل و بازسازی ریل ها جهت افزایش سرعت متوسط قطارها و ایجاد صنایع تولید کننده وسایل حمل و نقل راه آهن، می توان گامهایی اساسی تری در تغییر الگوی مصرف برداشت.

۷- با توجه به اینکه همراه با استخراج نفت مقادیر قابل توجهی گاز نیز بدست می آید و با در نظر گرفتن این امر که ایران دارای دومین ذخیره گاز جهان است، ایجاد صنایع پتروشیمی راه حلی اقتصادی برای استفاده از این منابع است. منابع نفت ایران با توجه به محدودیت آن می باید تنها برای مصارف داخلی و تامین ماده اولیه صنایع نفتی مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به رشد جمعیت کشور، لزوم ایجاد اشتغال برای نیروی کار و با در حال جستجوی کار، در نظر گرفتن نیازهای ارزی کشور و لزوم تولید کالاهای صنعتی که با صدور آن بتوان از صدور نفت خام و فرآورده های نفتی برای تامین ارز بی نیاز شد، باید به ایجاد صنایع پتروشیمی توجه کرد. صنایع مزبور که دارای درجه اشتغال زائی و ارزش افزوده بالائی هستند، با توجه به تنوع و گستردگی عظیم مواد و کالاهای تولیدی آنها می توانند به عنوان محور اصلی میان مدت وبلند مدت توسعه صنعتی واقتصادی ایران به حساب آیند. مشکل این گونه صنایع، پیشرفته بودن آنها و جلب مساعدتی صنعتی وعلمی کشورمان و همچنین وابستگی اور بودن رشد این صنایع در مراحل اولیه آنها است. حرکت در دو سطح توسعه علوم وفنون با ایجاد دوره های آموزشی برای تربیت کارگران ماهر، ایجاد دانشکده های مربوط به رشته های مختلف مورد نیاز این صنایع و بالاخره ایجاد مؤسسات تحقیقاتی در زمینه های نفت، شیمی و پتروشیمی با هدف نه تنها تربیت نیروی انسانی ماهر برای ایجاد و گسترش این صنایع، بلکه برای انتقال و جذب تکنولوژی های مربوطه و فراهم آوردن آن چنان شرایط که در این رشته به مرحله ابداعات و نوآوری های علمی و فنی برسیم، ضرورت دارد.

اگر علوم و فنون محور اصلی صنایع نفت و پتروشیمی محسوب می شوند، در سایه بخش های صنعتی نیز لازم می باید به عنوان محور انتخاب شوند.

باید ایجاد صنایع سنگین با قابلیت تولید ماشین آلات و وسایل مورد نیاز صنایع کشور محور اصلی توسعه صنعتی انتخاب شود و طراحی و ایجاد این صنایع به گونه ای صورت گیرد که بتواند در سه سطح بنیادی، میانی و جانبی

ماشین آلات مورد نیاز نفت و پتروشیمی را تولید کند.

باید در طراحی صنایع پتروشیمی در سطوح سه گانه آن نیازهای داخلی و خارجی در نظر گرفته شوند و بدیهی است که نیازهای فعلی برای تعیین ابعاد صنایع مورد نظر می‌تواند با ملاحظه ترکیب مواد و کالاهای وارداتی، رشد جمعیت، درآمدملی و تغییراتی که در الگوی مصرف به نفع مصرف مواد و کالاهای نفت و پتروشیمی به دلیل خصوصیت آنها بوجود خواهد آمد برآورد شوند. همچنانکه برای تعیین ابعاد و خصوصیات این صنایع کالاهای مورد تقاضای بازار جهانی از ترکیب کالاهای وارداتی با منشأ نفتی و پتروشیمی که بین کشورهای صنعتی و کشورهای درحال توسعه و صنعتی مبادله می‌شود و همچنین آنچه که دراثر نوآوری‌ها و اکتشافات جدید به تولید مواد و کالاهای جدید با منشأ نفت و گاز چه از نظر مقدار و چه از نظر تنوع برآیند به تقاضای جهانی اضافه خواهد آمد برآورد می‌شود (۳۸)

اگر ایجاد سطوح بنیادی و مبانی صنایع پتروشیمی نوعی محدودیت از نظر مکان یابی این صنایع ایجاد می‌کند و می‌باید در مکانهای نزدیک به منابع مواد اولیه (نفت و گاز) متمرکز شوند، سطح بهتری می‌تواند در نقاط مختلف کشور با هدف ایجاد شرایط مناسب برای توسعه و رشد اقتصادی ایجاد شود و تأثیر هماهنگی در توسعه اقتصادی سراسری کشور ایفا کند و سرمایه‌های - حتی اندک - بخش خصوصی را جذب کند.

مطابق آنچه که در بیان اهمیت ایجاد صنایع پتروشیمی در کشور بیان شد ایجاد این صنایع از همان ابتدا که با ایجاد پالایشگاه، آغاز می‌شود (و یا از طریق مرکبات گاز استخراج شده همراه نفت و یا گاز منابع گاز) و سپس به ایجاد سطوح پایه‌شده به صورت روابط عمومی بین صنعتی منجر می‌شود و بالاخره در نهایت به ایجاد صنایع تولید کننده انواع کالاها به صورت، رنگها، داروها، پاک کننده‌ها، روغن‌ها، وسایل پلاستیکی، داروها، پارچه‌ها، لوله‌ها، لاستیکها و غیره خاتمه می‌یابد، مورد نظر است و رکود صنایع پتروشیمی به عنوان تولیدکنندگان سطوح ۱و۲ در سطح جهان هم اکنون نیز از عارضه تولید قابل توجهی برخوردارند و با ورود کشورهائی مثل عربستان، کانادا و در شرایط کاهش مصرف - تحت تأثیر بحران اقتصادی در کشورهای صنعتی - وضع بدتری نیز پیش خواهد آمد (۳۹)

تصویری دیگر از راه حلها

آنچه که در سطور پیش تحت عناوین مختلف بیان شد نتیجه کیری‌هائی از بررسی ساختار صنعت نفت در کشور بود ولی نکته اساسی این است که برای رهایی از این وضع از کجا باید آغاز کرد و حرکت باید بر اساس چه محوری فعال شود؟ بدیهی است که برای هر تغییر ساختاری باید با مسائل به طور ریشه‌ای برخورد کرد و سیاستهای کوتاه و میان مدت را با سیاستهای بلند مدت هماهنگ کرد از سوی دیگر تغییرات مورد نظر در صنعت نفت و گاز در محدوده‌ای می‌خواهد عمل کند که خود بخود به بخش‌های دیگر صنعتی، کشاورزی و خدمات (حمل و نقل، برق، آب، آموزش) ارتباط پیدا می‌کند. بدون ایجاد هماهنگی و فعال کردن این بخش توجه صرف به صنایع این رشته، در واقع نوعی دوگانگی رشد و توسعه بوجود خواهد آورد که لاجرم اقتصاد خارجی از آن متضلع خواهد شد. تامین نیازهای صنایع جدید نفت و پتروشیمی، تامین کمبودهای سایر بخش‌ها که در اثر توسعه معوق مانده آنها ایجاد شده است و محور قرار دادن صنایع نفت و پتروشیمی در ابعاد یاد شده، کمبوها دادن به سایر بخش‌ها را نمی‌تواند توجیه کند. ولی کلیه تلاشهای مادی و معنوی باید به آنگونه هدایت شوند که ایجاد و گسترش این صنایع را تسهیل کند و ایجاد و گسترش این صنایع نیز باید به گونه‌ای صورت گیرد که نیازهای دیگر بخش‌ها را بتدریج برطرف سازد.

با توجه به اهمیت بخش کشاورزی، رشد جمعیت و کمبود محصولات تولید شده در این بخش نسبت به جمعیت فعلی، یکی از ابعاد قابل توجه توسعه صنایع نفت و پتروشیمی می‌باید رفع نیازهای این بخش به فرآورده‌های

> ✱ وابستگی صنایع نفت و پتروشیمی وحتی بالایشگاهها به مواد اولیه خارجی، باتوجه به وجود منابع عظیم نفت و گاز در کشور و سابقه هشتاد ساله ایجاد صنعت نفت در ایران، بیانگر بیرونی بودن این صنعت و عدم ارتباط آن با داخل و یکپارچگی آن با اقتصاد جهانی است.

نفتی ارزان قیمت مناسب و همیشه و همه جا موجود پشت تامین سوخت برای وسایل حمل و نقل، لیز برای اسفالت راهها، مواد لازم نفتی برای تثبیت شنهای روان، سموم گیاهی و کود شیمیائی برای مصارف زراعی، دارو برای دام، انواع وسایل ممکن با منشاء نفت و شیمی برای امور زراعی، دامداری، شیلات و جنگلداری و غیره از نخستین اهداف توسعه صنایع نفت و پتروشیمی محسوب می‌شوند.

طراحی صنایع سنگین نیز باید به گونه‌ای صورت گیرند که علاوه بر رفع نیاز صنایع نفت و پتروشیمی، صنایع سازنده وسایل و ماشین آلات مورد نیاز کشاورزی را نیز تولید کند.

گفته شد که صنعت نفت ایران صنعتی بیرونی و جزئی از اقتصاد امپریالیستی است، و گرچه پس از انقلاب بر این صنعت حاکمیت ملی اعمال می‌شود ولی بدلیل ساختار این صنعت و ساختار اقتصادی و الگوی مصرف کشور به طور بنیادی هنوز همان مسیر قبلی از نظر وابستگی ملی اقتصادی طی می‌شود و لذا اکنون این سئوال مطرح است که آیا می‌شود این صنعت را دروس کرد و چگونه؟

صنعت نفت ایران که صنعتی بیرونی است در حالیکه منفک از دیگر بخش‌های اقتصاد کشور حرکت نکرده و نمی‌تواند حرکت کند، واقعیت تلخ وابستگی کل اقتصاد و الگوی مصرف وابسته، واردات بیست میلیون تن کالا در سال با هزینه ارزی‌ای در حدود ۲۵ میلیارد دلار را در شرایط فعلی و با توجه به رشد جمعیت ارقامی کلان تر در آینده را ایجاب می‌کند در آن... انطه نخست این پیش مطرح است که آیا با تداوم همین الگوی مصرف که خود جان بخش وابستگی صنعتی هاست می‌توان تغییراتی اساسی در صنعت نفت پدید آورد؟ برخی با پاسخ مثبت به این سئوال چاره را در افزایش شدید صادرات نفت و کسب آنچنان درآمد ارزی‌ای می‌دانند که علاوه بر تامین نیازهای عادی ارزی برای واردات، هزینه سرمایه گذاری‌های فوق العاده را نیز تامین کند. این راه حل به دو مشکل اساسی برخورد می‌کند. نخست اینکه اشتیاق تضمین نیست و در آمد نفت در دست ما نیست و ما اگر هم بخواهیم چنین اقدامی را بر خلاف مصوبات اوپک انجام دهیم در شرایط اشباع بازار، قیمتها شدیداً تنزل خواهند کرد و افزایش صادرات نفت ما با واکنش سایر صادر کنندگان و افزایش صادرات آنها مواجه خواهد شد و در نتیجه تلاش برای کسب درآمد بیشتر، از طریق صدور نفت بیشتر خنثی شده و حتی نتایج منفی به دنبال خواهد داشت.

دوم اینکه ساختار صنعت نفت ما به گونه‌ای است که ما تنها نفت خام صادر می‌کنیم و از این طریق کمترین ارزش افزوده را در داخل جذب می‌کنیم و از طرف دیگر دارای منابع نفتی محدودی هستیم. اگر احیاناً در طراحی و اجرای برنامه توسعه صنعتی و کشاورزی خود نظر دلیل - چه در ارزیابی امکانات و مشکلات و چه در پیش بینی تنگناها و مشکلات عملی و اجرائی - دچار شکست شویم، با توجه به اینکه هنوز به مرحله جانشینی صادرات دیگر کالاها با نفت نرسیده‌ایم کل امکانات توسعه را برای خود و نسل‌های آینده از دست خواهیم داد. به ویژه اینکه امپریالیسم در هر حال در برابر برنامه‌های ما واکنش نشان خواهد داد و از نقاط ضعف ما در به شکست کشاندن برنامه توسعه صنعتی کشورمان استفاده خواهد کرد.

بدین ترتیب برای دگرگونی ساختار صنعتی کشور از جمله ساختار صنعت نفت و گاز که نقشی محوری در توسعه اقتصادی ایران دارد، ناچار به تغییر الگوی مصرف و کشاندن مصرف کنندگان به مصرف آنچه که واقعاً تولید داخلی است می‌باشیم. در این راستا مشکل ما، صاحبان تقاضای موثر هستند که با تغییر در نظام مالیاتی و نظام اجتماعی کشور و فعال کردن نظام تعاونی‌ها منشاء درآمد اضافی جذب و کسب درآمدهای باد آورده بی حساب خشکانده می‌شود. همچنین می‌توانیم با کار آموزشی هم مصرف کنندگان را به سوی مصرف کالاهای تولیدی داخلی بکشانیم و هم سرمایه داران را به سمت سرمایه گذاری تولیدی در داخل و خودداری از انتقال سرمایه‌ها به امور غیر تولیدی و به خارج جذب کنیم.

در شرایط محدود کردن مصرف و خودداری از واردات مواد، قطعات و ماشین آلات برای صنایع وابسته و جلوگیری از واردات کالاهای ساخته شده، آنچنان صرفه جوئی ارزی حاصل می‌شود که از محل آن می‌توان سرمایه گذاری‌های متراکمی را در توسعه صنایع نفت و پتروشیمی انجام داد در اینصورت نیازی به لهی کردن سریع منابع نفتی و شکستن مرزهای اوپک که طی یک ربع قرن مبارزه، به تدریج با سرافرازی برپا شده‌اند و خدشه دار کردن مواضع جمهوری اسلامی ایران در دفاع از ملل محروم و ضد امپریالیسم بودن آن نیست. با توجه به خصوصیت اقتصاد ایران و این نکته که غیر از صنایع نفت و پتروشیمی از نظر مزیت‌های نسبی بین المللی، امید دیگری به تامین نیازهای کنونی و آینده کشور در عرصه بین المللی (این عرصه تحت سلطه انحصارات چند ملیتی است) نیست و با در نظر گرفتن این نکته که با هر گونه الگوی مصرفی نمی‌توانیم از واردات بی نیاز شویم، صنعت نفت را ناگزیر باید به عنوان تامین کننده این نیاز به شمار آوریم. البته محصور کردن خود و آغاز از صفر، مسیری گرچه مطمئن ولی بسیار طولانی است و در شرایط وجود نعمت خدادادی مثل نفت، مصلحت نیست چنین راه دشواری را انتخاب کرده و رنج آنرا بر افشار فقیر و نهیدست تحمیل کنیم.

به نظر می‌رسد صنعت نفت ایران در کوتاه مدت و میان مدت ناچار می‌باید تامین کننده نیازهای ارزی ایران (البته نیازهای محدود شده و در جهت انتقال صنعت و تکنولوژی قرار گرفته آن) باشد.

در بلند مدت نیز صنایع نفت و به ویژه صنایع پتروشیمی صرفاً صنایعی درونی نخواهند بود. گرچه می‌باید ریشه‌های همین آن از منابع گاز، صنایع سنگین، علوم و فنون کشور و مهارتهای نیروی کار ایرانی تغذیه کنند. ولی این صنایع، صنایعی نیستند که صرفاً در ابعاد داخلی و برای رفع نیازهای داخلی طراحی شده باشند و بتوانند اقتصادی باشند.

هدف این صنایع که علاوه بر رفع نیاز داخلی، صدور پرحجم و چند ده میلیارد دلاری کالاهای ساخته شده با منشاء نفت و پتروشیمی است، تصویری از این صنایع را مطرح می‌سازد که صرفاً درونی نیستند.

اکنون این پرسش مطرح است که آیا باید به گذشته اهداف توسعه صنعت نفت و گاز به طور یکسان بها داد؟

از آنجا که گسترش برخی از بخش‌ها دارای آثار جانبی محدود از نظر سرمایه گذاری‌های القائی می‌باشد و برعکس برخی بخش‌ها در صورت گسترش، موجبات رشد و توسعه دیگر بخش‌ها را فراهم می‌سازند و رشد محور در چارچوب توسعه صنایع نفت و پتروشیمی نیز ضروری است.

چنین گزینشی در سطوح مختلف ایجاد و گسترش این صنعت (مشابه دیگر صنایع) می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به ترکیب واردات مواد و کالاهای نفتی، شیمیائی و پتروشیمی و با توجه به معادلات بین المللی این گونه کالاها و با در نظر گرفتن نتایج حاصل از پیش بینی آینده مصرف داخلی و خارجی ابعاد صنایع نفت و پتروشیمی ایران در سطوح مختلف آن در ارتباط با سایر بخش‌های اقتصادی و نیازهای آنها از نظر وسایل، ماشین آلات، علوم و فنون باید آنچنان طراحی و ایجاد شوند که ضمن به حداقل رساندن هزینه‌های ایجاد آنها با سرمایه‌گذاری

*** اگر صنعت نفت کشور صنعتی بیرونی است و الزامات مربوط به سمت و سوی آن از خارج تعیین می‌شود، با دگرگونی‌های ساختاری در اقتصاد ایران و عمومی شدن الگوی مصرفی که عمدتاً در راستای تأمین منافع صادرکنندگان کالا به ایران است، پیوند جدیدی بین اقتصاد ایران و اقتصاد کشورهای صنعتی سرمایه داری بوجود آمده که توجه به آن، حرکت در مسیر ساختار ایجاد شده در صنعت نفت را می طلبد.**

جدول شماره ۱۱ وابستگی صنایع بزرگ به ماشین آلات و لوازم یدکی خارجی — ارقام به درصد

رشته های صنعتی	کشور / درصد کل وابستگی به خارج	انگلستان	آلمان غربی	آمریکا	فرانسه	ایتالیا	سوئد	ژاپن	ایران	سوئیس	شوروی
صنایع مواد غذائی، آشامیدنی ها و دخانیات	۲۷/۶	۱۴/۸	۱۲/۹	۷/۲	۷/۲	۶/۲	—	—	۵	۲/۸
صنایع نساجی، پوشاک، چرم و پوست	۲۵/۹	۹۵/۲	۳/۹	۶/۹	۱۵/۸	—	۲/۷	۱/۹	—	۱/۵
صنایع چوب و محصولات چوبی	۲۲/۸	۲/۹	—	—	۲۸/۶	۲/۸	—	۱۹/۳	—	—
صنایع کاغذ و مقوا، چاپ و صحافی	۲۷/۸	۱۷/۲	۱۳/۹	۷/۶	۷/۶	۳/۸	۳/۸	—	۱۱/۹	—
صنایع شیمیائی	۲۴/۳	۱۳/۱	۷/۱	۶/۶	۱۳/۶	۳/۵	۲/۵	۹	۳/۵	۱/۵
صنایع محصولات کانی غیرفلزی	۳۱/	۱۲/۱	۱/۹	۳/۴	۲۹	۱/۹	۳/۴	۱۰/۵	۳/۴	۲/۲
صنایع فلزات اساسی	۳۴/۳	۶/۷	۱۳/۳	—	۱۳/۳	—	۶/۷	۶/۷	—	۶/۷
صنایع ساخت ماشین آلات، تجهیزات برقی و محصولات فلزی	۲۱/۷	۱۳/۲	۶/۸	۳	۹/۶	۲/۸	۹/۵	۴	۲/۵	۷/۵
صنایع متفرقه	۱۹/۵	۱۱/۹	—	۱۱/۱	۱۱/۱	—	۱۱/۱	—	—	—
کل صنایع	۱۵/۷	۳۱/۵	۱۱/۸	۶/۶	۵/۱	۴/۹	۴/۵	۹/۳	۴/۵	۲/۵

مأخذ: صنعت مختلف شعبه بررسی فرآیندهای وابستگی های کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در سال ۱۳۵۸ مرکز آمار ایران

کردن آن بر روی طرحهای متعدد (به ویژه در مورد ایجاد صنایع سنگین، علوم و فنون مورد نیاز) موجبات رشد و توسعه آن بخش‌ها را نیز فراهم آورد. در چنین سیمائی از صنایع نفت و پتروشیمی که نفت و گاز به عنوان ماده اولیه آن و به عنوان سوخت تسهیل کننده حرکت صنعتی و درآمد حاصل از صادرات نفتی و همچنین صادرات کالاهای پتروشیمی به عنوان تامین کننده مالی آن به شمار می‌آیند آنچنان شرایط توسعه‌ای بوجود می‌آید که دراین محور کلیه وجود دیگر اقتصادی به ویژه صنایع سنگین، علوم، فنون و کشاورزی به تکاپوئی «توسعه جو» کشیده می‌شوند.

جهت تحقق اهداف مورد نظر در زمینه ایجاد و گسترش صنایع نفت و پتروشیمی یا ایجاد ذکر شده، علاوه بر تغییر الگوی مصرف و صرفه جوئی‌های ارزی برای تأمین سرمایه گذاری‌های لازم و مورد نیاز این صنایع، ایجاد آنچنان تغییراتی در تولید صنعتی و کشاورزی و مصرف کالاها در جامعه ضروری است که بتواند نتایج بدست آمده در صنایع نفت و پتروشیمی را در زمینه تولید مواد و کالاها مورد استفاده قرار بدهد. هم چنانکه این صنایع (نفت و پتروشیمی) نیز از همان آغاز در این جهت طراحی و ایجاد می‌شوند.

در چنین شرایطی، وابستگی دوگانه اقتصاد ایران به کشورهای امپریالیستی به تدریج به استقلال اقتصادی تبدیل خواهد شد. با افزایش تولیدات داخلی و محور قرار گرفتن صنایع نفت و پتروشیمی که نتیجه آن توسعه صنایع سنگین و کشاورزی است، از یک سو امکان تولید بسیاری از کالاها و موادی که هم اکنون از خارج وارد می‌شود در داخل کشور بوجود می‌آید و از سوی دیگر با تنوع کالاهای صادراتی ایران و همچنین صنعتی بودن آن‌ها وابستگی به کشورهائی خاص از میان خواهد رفت.

ارتباط اقتصادی، با کشورهای جهان سوم با برقراری روابط بازرگانی‌ای که مکمل اقتصاد این کشورها باشد (توجه به برتری‌های نسبی) توسعه روابط اقتصادی و توسعه صادرات را ممکن خواهد ساخت. در جهت دهی به صنایع نفت و پتروشیمی، همانطور که اشاره شد علاوه بر درنظرگرفتن رفع نیازهای داخلی به تولید کالاهای مورد نیاز بازارهای خارجی نیز توجه خواهدشد و بدیهی است که در این میان تولید کالاهای مورد نیاز جهان سوم از اولویت برخوردار خواهد بود.

در طراحی و ایجاد صنایع نفت و پتروشیمی علاوه بر نکات یاد شده برخی مسائل دیگر که از تجربه فعلی صنایع ایران ازنظرموفقیت و عدم موفقیت آنهااستنتاج می‌شود رعایت خواهدشد. برقراری پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی از طریق رفع نیازهای آنها از نقطه نظر تضمین موفقیت صنایع نفت و پتروشیمی الزامی است. متقابلا استفاده از کلیه امکانات موجود در هر بخشی برای ایجاد و گسترش صنایع نفت و پتروشیمی نیز امری گریز ناپذیر می باشد. تمرکز اطلاعات مربوط به کلیه نیازهای علمی، فنی، صنعتی، معدنی، ساختمانی و غیره برای صنایع نفت و پتروشیمی و تمرکز اطلاعات مربوط به وجود هرگونه امکان داخلی در این موارد و استفاده از آن و گسترش این امکانات، متناسب با گسترش صنایع نفت و پتروشیمی از نکات اساسی در برقراری پیوندهای دوجانبه این بخش با دیگر بخش ها می باشد. در مورد ابعاد مختلف صنایع نفت و پتروشیمی جز در مورد سطوح بنیادی که الزام به تولید انبوه دارد، استفاده از ابعاد کوچک صنایع و پراکندگی آن در نقاط پرمصرف کشور و یا در مناطق سهل تر برای صادرات و یا درمناطق نامساعد فعلی ولی مناسب آتی برای پیروزی اهداف یاد شده، ضروری است.

نکته قابل توجه دیگر، کشورهای طرف قرارداد ایران برای خرید امتیازات اجازه ساخت و انتقال تکنولوژی می باشند که عدم تعددکشورهای فوق - این مساله‌جذب تکنولوژی را مشکل تر می‌سازد - متمرکز نکردن نیاز به یک کشور و یا کشورهائی خاص و ترجیح دادن رابطه با کشورهای جهان سوم و یا کشورهای صنعتی که توان تحت تاثیر قراردادن اقتصاد ایران را - با توجه به ابعاد اقتصادی خود - ندارند مطرح می کند که این مساله باید با درنظرگرفتن پیشرفته بودن تکنولوژی و هماهنگ بودن آن با مجموعه طراحی شده و پائین بودن هزینه آن و دیگر مسائل مربوط به جذب و انتقال تکنولوژی دنبال شود.

زیرنویس ها

1- Histoire Secrete de petrole
صفحه ۹

۲- اختلاف درصد ناشی از تفاوت در منابع آماری مصرف کل و مصرف نفت می باشد. صفحه های ۱۸، ۲۳

3- Les Chiffres clefs de l,energie

۴. همان مأخذ صفحه ۲۲

۵. همان مأخذ صفحه ۴۲

۶. همان مأخذ صفحه ۴۵

۷. همان مأخذ صفحه ۴۰

۸. همان مأخذ صفحه ۲۱

۹. همان مأخذ صفحه ۲۰

۱۰. همان مأخذ صفحه ۲۶ و ۲۷

۱۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی.

۱۲- «اقتصاد ایران» - فصل هشتم - صنعت نفت و گاز - جزوه درسی دانشکده اقتصاد جدول شماره ۴۴.

۱۳- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - صفحه ۹۲

۱۴- همان مأخذ صفحه ۹۳ در مورد ارقام مربوط به واردات و صفحه ۵۶ در مورد ارقام مربوط به نفت.

۱۵- «قراردادهای نفتی با استاد خیانت» - اثر نویسنده - انتشارات روز بهمن ۱۳۵۸.

۱۶- ازنظر آقای با چگونگی نفوذ شرکت نفت انگلیس و ایران بر رجال ایرانی و تقلید فکری و هدایت آنان به کتاب «اسناد خانه سدان» مراجعه شود

۱۷- «تحقیقات در صنعت نفت ایران» از انتشارات روابط عمومی صنعت نفت ایران مقاله و عملیات ژئو فیزیک در اکتشاف نفت - جزوه درسی «مدخلی بر اقتصاد نفت» دانشکده اقتصاد

۱۸- «پیک نفت» - انتشارات وزارت نفت شماره ۲۱۵ - مهرماه ۱۳۶۵ - مصاحبه با مدیر اکتشاف و تولید

۱۹- «اقتصاد ایران» - فصل اول کلیات - جزوه درسی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

۲۰- ارقام مربوط به ظرفیت پالایشگاه آبادان از صفحات مختلف کتاب «پنجاه سال نفت» نوشته مصطفی فاتح اخذ شده است.

۲۱- نفت و زندگی - شرکت ملی نفت ایران - صفحه ۱۴۰

۲۲- سالنامه آماری کشور - سال ۱۳۵۸ - صفحه ۷۹۶

۲۳ و ۲۴- سالنامه آماری کشور - سال ۱۳۶۳ - صفحه‌های ۵۲۱ و ۵۲۲

۲۵- «فعالیتهای شرکت ملی نفتکش ایران» روابط عمومی صنعت نفت ایران دی ماه ۱۳۵۵ صفحه ۱۲ ضمیمه

۲۶- همان مأخذ صفحه ۱۳

۲۷- «گزارش اهم فعالیتهای یکساله وزارت نفت» صفحه ۲۱

۲۸- «پیک نفت» شماره ۲۱۸ - دی ماه ۱۳۵۸

۲۹- روزنامه کیهان - ۶۵/۱۰/۱۱

۳۰- «بانک آمار وزارت بازرگانی نشریه «ایران تصویر آماری بازرگانی خارجی» درسال ۱۳۶۲ واردات موادغذائی، رودخانهای معدنی و فراورده‌های حاصله از تقطیر آنها، مواد قیری و مومهای معدنی ۱/۴ میلیون تن به ارزش ۱۷میلیارد ریال بوده است - صفحه ۲۹۳

۳۱- «درسال ۱۳۶۲ حدود ۱۱ درصد از کل واردات کشور با ۱۵۸۳ میلیارد ریال بابت واردات وسایل نقلیه زمینی بوده است - مأخذ نشریه «تصویر آماری بازرگانی خارجی»

۳۲ - آمار مربوط به اکسون از تاریخ معجزه نفت Histoire Secrete du Petrol و آمار مربوط به شاغلین وزارت نفت از سالنامه آماری کشور سال ۱۳۶۳ صفحه ۵۱۵ و رقم تقریبی محققین وزارت نفت از طریق تماس تلفنی با «مرکز پژوهش و خدمات علمی» وزارت نفت در تاریخ ۶۵/۱۰/۶ بدست آمده است. البته تعداد کارکنان پژوهشی این مرکز کمتر از ۳۵۰ نفر می‌باشد.

۳۳- آمار کارگاههای بزرگ صنعتی - منتج از آمارگیری سال ۱۳۶۴ - مرکز آمار ایران - اردیبهشت ۱۳۶۵ - صفحه ۳.

۳۴- اقتصاد ایران - فصول اول، هشتم و دوازدهم - اثر نویسنده

۳۵- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران سال ۱۳۵۸ - صفحه ۱۸۶ موازنه ارزی کشور - رقم مربوط به سال ۱۳۳۲ از فصل پنجم کتاب «اقتصاد ایران» نقل شده است

۳۶- همان مأخذ - سال ۱۳۶۲ - صفحه ۲۰۸

۳۷- همان مأخذ

۳۸- توسعه صنعتی اثر «مورای دی پرایس» ترجمه غلامرضا کیانپور - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - صفحات ۲۸ الی ۳۷ - فصل ملاک ارزیابی طرحهای صنعتی

۳۹- «صنعت در جهان متغیر» - پرینتو - ترجمه غلامرضا نصیر زاده - انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۵ - صنایع پتروشیمی صفحات ۳۲۷ - ۳۱۲